

احمد ساعتچیان، بازیگر:

تئاتر بواسطه حضور تماشاگر زنده است



امیر آقا جان، طراح حرکت:

ترکیبی از عناصر مدرن و کلاسیک با محوریت روایت داریم

به نوعی ماهیت یک شخصیت و آنچه که پاتکست متن است را به صورت فیزیکی منتقل می کنند. در صحنه هایی دیگر المان هایی از جنگ یا لشکر کشی را نشان می دهد که البته شاید این شیوه برای برخی از مخاطبان که انتظار دارند کار موزیکال یکپارچه حرکت و پر از فرم های بسیار شلوغ باشد، متفاوت به نظر برسد اما هدف ما جلوه گری نبود، بلکه تأکید بر مفهوم بود؛ حرکتی که در خدمت روایت و فضای کلی نمایش قرار گیرد، نه مستقل از آن.

لطفاً درباره کیفیت تمرین ها و میزان دقت اجرایی که مدنظر داشتید برایمان توضیح دهید.
یکی از ویژگی های اصلی طراحی حرکات این نمایش، هماهنگی دقیق و میلی متری است. ما می توانستیم با یک شلوغی کنترل نشده و صرفاً جذاب از نظر بصری روی صحنه برویم، اما انتخاب ما این نبود. در نمایشی که اکنون روی صحنه است، میزانش ها و به طوری که هیچ میلیمتری طراحی نشده اند؛ به طوری که هیچ ضرب و هیچ حرکت کوچکی از بازیگران حتی نیم ضرب پس و پیش نمی شود. البته ایده اصلی صحنه ها از خود خانوم عبدالرزاقی بود و ایشان با نگاهی دقیق و ذهنی کاملاً تصویری، چهار چوب حرکت ها را طراحی می کردند و ما آن ایده ها را در قالب حرکات مختلف اجرایی کردیم.

از نقش فروش کربمی نژاد در این پروسه به عنوان مشاور طراح حرکت بگویید.
خوشبختانه فروش کربمی نژاد از همان روزهای نخست بعد از تعطیلات عید به عنوان مشاور طراحی حرکت به تیم ما پیوستند. ایشان در امر طراحی حرکات بسیار کمک کردند و تجربه کار کردن با ایشان واقعاً فراموش نشدنی بود. فروش کربمی نژاد سابقه بسیار پرکاری در زمینه پرفورمنس دارد و به صورت تخصصی کار بدن و فرم انجام داده است. در «شاه لیر»، ایشان نقش «دلکف» را ایفا می کنند که نقشی بسیار سخت، هم از نظر بدنی و هم از نظر اجرایی است و انصافاً یکی از درخشان ترین اجراهای کار متعلق به ایشان است. در کنار این نقش آفرینی، ایشان در تمامی مراحل تمرین هم به عنوان مشاور و هم به عنوان همکار اجرایی با ما همراه بودند و این سختی را با هم سپری کردیم.

لطفاً از فرآیند طراحی حرکات این نمایش برای ما بگویید.

در وهله اول طراحی حرکت، خواست و دیدگاه کارگردان بسیار تعیین کننده است. خانم عبدالرزاقی از ابتدا تأکید داشتند که نمایش «شاه لیر» را رویکردی مدرن اجرا شود؛ اثری که با وجود تعلقش به متنی کلاسیک، بتواند در یک فرم اجرایی مدرن حرفی تازه بزند. همین نگاه موجب شد که ما در طراحی حرکت، تلفیقی از مؤلفه های کلاسیک و مدرن را در نظر بگیریم. ایشان که پیش تر نیز در اجرای هملت همین رویکرد را داشتند در «شاه لیر» نیز به نوعی امضای اجرایی خود را دنبال کردند. به جرأت می توانم بگویم همان طور که هملت الیکا عبدالرزاقی منحصر به فرد بود، شاه لیر ایشان نیز در شیوهی اجرایی اش نمونه ای همسان ندارد. در طراحی حرکت، ما سعی کردیم به جای اینکه حرکات را صرفاً بر پایه فرم و زیبایی شناسی طراحی کنیم، آن ها را در خدمت مضمون و روایت قرار دهیم. در کنار حفظ کلاسیک برخی خطوط حرکتی و فرم های بدنی، از عناصر مدرن نیز استفاده کردیم. این حرکات نه آن قدر شارپ و خشک هستند که مخاطب را پس بزنند، و نه آن قدر نرم و رقیق که تأثیر گذاری شان از بین برود. یک تعادل ظریف بین کلاسیک و مدرن در طراحی حرکت ها مدنظر ما بوده است.

از همکاری با گروه بازیگرانی که اجرا کننده این حرکات هستند بگویید.

ما از بازیگرانی استفاده کردیم که صرفاً پرفورمر نبودند؛ بلکه در کنار ایفای نقش، توانایی پذیرش و اجرای فرم های حرکتی را نیز داشتند. بسیاری از آنان پیش تر نیز در پروژه های نمایشی، ایفای نقش کرده اند و تجربه بازیگری دارند. این ترکیب باعث شد که حرکات، معنا و جان بیشتری بگیرند؛ چرا که از دل شخصیت پردازی می آمدند، نه صرفاً به قصد زیبایی بصری. در برخی صحنه ها، دوازده بازیگر داریم که

سخت کوش، جدی و خستگی ناپذیر هستند و تلاش های پیگیر و دلسوزانه شان برای این پروژه برای من بسیار قابل تحسین است و بیش از همه اینکه با فضا را برای من به عنوان کسی که نقش سنگینی در این نمایش بر عهده دارم آنگونه که باید فراهم کرد و امیدوارم که توانسته باشم در نحوه ارائه کارم جواب این زحمات را بدهم.

اجرای کاراکتر «شاه لیر» شب به شب چه تفاوتی برایتان داشت؟

آثار شکسپیر آنقدر غنی هستند که هر بار که روی صحنه می روی، چیز تازه ای در متن کشف می کنی. گاهی به دیالوگی برمی خورم که شاید قبلاً بارها خوانده ام، اما ناگهان معنای تازه ای در آن پیدا می کنم. آثار شکسپیر این ویژگی منحصر به فرد را دارد که انگار خود متن به تو می گوید چطور باید آن را بازی کنی. همین ویژگی باعث می شود هر بار اجرای نقش، تجربه ای نو و زنده باشد. آنچه که باعث ماندگاری آثار بزرگی مثل نمایشنامه های شکسپیر در تاریخ ادبیات نمایشی شده، پرداخت بسیار دقیق و انسانی شخصیت ها و مفاهیمی ست که در آن ها مطرح می شود و نویسنده با مهارت تمام، صفات انسانی، خوی و خصلت ها را به گونه ای دراماتیزه کرده که در هر دوره ای و برای هر نسلی قابل درک و همدلی است.

همین ویژگی است که باعث شده آثاری چون شاه لیر یا هملت و... همواره، در هر زمان و هر جای جهان جواب می دهد و مخاطب می تواند با آن ها ارتباط برقرار کند.

شما در یکی از نقش های برجسته ادبیات نمایشی، یعنی نقش «لیر» حضور دارید. جذابیت این نقش برایتان در چه بود و چگونه به آن پرداختید؟

نقش لیر بدون شک یکی از مهم ترین شخصیت ها در تاریخ ادبیات نمایشی است و من همان طور که در اغلب کار ها سعی می کنم، در این پروژه نیز تلاش داشتم تا خود را به درک و برداشت کارگردان از متن نزدیک کنم. در این مسیر، گفت و گو ها و تعاملاتی میان ما شکل گرفت؛ چیزهایی از ذهن من و ایده هایی از خط فکری کارگردان که در نهایت به نوعی پرداخت مشترک منجر شد. نقش لیر با شخصیت های متعددی در گیر و روبرو است و این «تقابل» عنصر مهمی در پرداخت نقش بود و به طبع در مواجهه با بازیگران مختلف که هر کدام آورده ای داشتند شکل گرفت.

آیا این نمایش تجربه تازه ای برای شما محسوب می شود؟

بله، قطعاً. در میان مجموعه کار هایم، این نخستین تجربه ام در نمایشی با ساختار موزیکال بود. البته این نمایش در معنای کامل یک موزیکال نیست، اما برخی از شخصیت ها در لحظاتی با زبان موسیقی بیان می شوند. از همان ابتدا خانم عبدالرزاقی تأکید داشتند که سیر کاراکتر لیر، از اوج به سمت جنون، بدون استفاده از فرم موزیکال و تنها با تکیه بر دیالوگ ها و بازی اجرا شود.

از ویژگی همکاری با خانم عبدالرزاقی بگویید.

دوستی من و خانم عبدالرزاقی به سال ها قبل و زمان هنرجویی مان در کلاس های استاد سمندریان برمی گردد. از همان دوران کلاس تئاتر، سریال و سینما، همکاری های متعددی داشتیم. البته بخش عمده این همکاری ما در حوزه تئاتر بوده است. در این نمایش اما، ایشان در جایگاه کارگردان قرار دارند. باید بگویم که صرف نظر از دوستی مان، ایشان کارگردانی

